



زمینه های معرفتی ورود و گسترش عرفان های نوظهور (با تأکید بر آثار پائولو کوئلیو)

پدیدآورده (ها) : انواری، محمد رضا

ادیان، مذاهب و عرفان :: مطالعات معنوی :: بهار 1392، شماره 7

از 165 تا 195

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1028633>

دانلود شده توسط : دفتر رصد موسسه بهداشت معنوی

تاریخ دانلود : 19/04/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

زمینه‌های معرفتی ورود و گسترش عرفان‌های نوظهور (با تأکید بر آثار پائولو کوئلیو)

محمدرضا انواری*

چکیده

پدیده «عرفان‌های نوظهور» بیش از دو دهه است که وارد کشور شده و امروزه به عنوان یک مسأله اجتماعی دلمشغولی‌هایی را متوجه کارشناسان این عرصه کرده است. منظور از عرفان‌های نوظهور، دسته‌ای از آیین‌ها و جریان‌هایی است که با نام عرفان و باعلامت معنویت به کشور ما وارد شده‌اند و ندای حقیقت‌طلبی سر می‌دهند. در این عرفان‌ها الزاماً نزدیکی و محبت خداوند هدف اصلی نبوده است و اهدافی ادعائی؛ مانند عشق، شادی و آرامش جای آن را گرفته است. به عنوان یک محقق اجتماعی این سوال به ذهن می‌رسد که با توجه به پیشینه و غنای دینی و فرهنگی موجود در ایران و همچنین نظام حاکم بر کشور که یک نظام دینی است، چه زمینه‌های معرفتی باعث شده معنویت‌های کاذب در ایران بروز و ظهور پیدا کنند؟ این مقاله سعی دارد با نگاهی به روند ورود عرفان‌های نوظهور به کشور، برخی زمینه‌هایی را که باعث ورود و گسترش آنها شده است مورد تحلیل و بررسی قرار دهد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد عطش فطری نسبت به معنویت و ارضاء نشدن آن، آگاهی نداشتن از نکات انحرافی موجود در عرفان‌های نوظهور، تبلیغ نبودن نیاز به شریعت و ترویج اباحی‌گری در آثار کوئلیو و همچنین پلورالیسم فرهنگی و دینی به عنوان برخی

* . کارشناسی ارشد تبلیغ و ارتباطات فرهنگی دانشگاه باقرالعلوم. m_reza.anvari1358@yahoo.com

زمینه‌های معرفتی ورود و گسترش این‌گونه آثار مطرح است.

واژگان کلیدی: عرفان‌های نوظهور، عرفانهای کاذب، زمینه‌های معرفتی، پائولو کوئلیو، معنویت.



پدیده «عرفان‌های نوظهور» یا «جنبش‌های نوپدید دینی»^۱ بیش از دو دهه است که وارد کشور شده و امروزه به عنوان یک مسأله اجتماعی دلمشغولی‌هایی را متوجه کارشناسان این عرصه کرده است. این جریان‌های انحرافی با شیوه‌های تبلیغی خود به شکل پیدا و پنهان مشغول فعالیت و جذب افراد هستند. هرچند مبانی و ماهیت عرفان‌های نوظهور، نظری است؛ اما پیامدها و آسیب‌هایی که از مجموع این عرفان‌ها در طول تقریباً دو دهه در ایران بر روی مردم و خصوصاً نسل جوان بر جای گذاشته ابعاد مختلفی به خود گرفته است و منحصر در آسیب‌های اعتقادی و فرهنگی نیست. مقام معظم رهبری با دوراندیشی خاص خود بارها مسئولین نظام را به مقابله با عرفان‌های کاذب فراخوانده‌اند که یکی از موارد آن در سفر سال ۱۳۸۹ به قم و در سخنرانی عمومی با مردم بود. (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۷/۲۷) تأکیدهای مکرر ایشان و اینکه این مسأله را در سخنرانی عمومی مطرح کرده‌اند، نشان از اهمیت و خطیر بودن این مسأله دارد. آنچه ما را وادار می‌کند که زمینه‌های گسترش عرفان‌های نوظهور در ایران را بررسی کنیم، خطری است که از ناحیه ترویج این‌گونه عرفان‌ها احساس می‌شود و آن، التقاط آموزه‌های عرفان‌های کاذب با مفاهیم اصیل اسلامی است. سوالی که در این بین مطرح می‌شود این است که با توجه به پیشینه و غنای دینی و فرهنگی موجود در ایران و همچنین نظام حاکم بر کشور که یک نظام دینی است، چه زمینه‌های معرفتی باعث شده معنویت‌های کاذب در ایران بروز و ظهور پیدا کنند؟

شاید بتوان ادعا کرد که در جامعه‌ای؛ مانند ایران که نظام حاکم بر آن یک نظام دینی است، متصور نیست که آنها به صورت خود انگیخته؛ شبیه آنچه که در غرب اتفاق افتاده است شکل گرفته باشد؛ زیرا خلاء معنویت همچنان که در غرب مطرح

1. New Religious Movements

است به عنوان زمینه‌ساز پیدایش آنها در ایران وجود ندارد، لذا می‌توان ادعا کرد که آنها وارداتی و نفوذی هستند؛ به عبارت دیگر همانند بسیاری از تفکرات وارداتی که در غرب شکل گرفته و سپس توسط روشنفکرانها وارد فضای فکری و فرهنگی جوامع اسلامی شدند؛ این جریان‌ها نیز از بیرون مرزها نفوذ کردند. از این رو، ضروری است تا زمینه‌های نفوذ و گسترش این گونه جریان‌های انحرافی در جامعه اسلامی ایران مورد بررسی قرار گیرند تا از این رهگذر نخست، عوامل و زمینه‌ها شناخته و شناسانده شود و در مرحله بعد، در جهت مبارزه با این جریان‌ها و برای از بین بردن و یا حداقل تضعیف عوامل و زمینه‌هایی که باعث شکل‌گیری و ترویج آنها شده و می‌شود، اقدامات مناسبی صورت گیرد.

در این مقاله سعی می‌کنیم ابتدا نگاهی گذرا به سیر ورود این جریان‌ها به کشور در دو دهه اخیر داشته باشیم و سپس به برخی از زمینه‌های معرفتی که باعث ورود و گسترش آنها گردیده اشاره می‌کنیم. البته تمرکز ما بیشتر بر زمینه‌های ورود آثار پائولو کوئلیو در ایران خواهد بود که در قالب رمان و داستان عرضه شده است. اما از آنجایی که زمینه‌های شکل‌گیری این گونه معنویت‌ها تا حدودی مشترک هستند می‌توان این زمینه‌ها را برای اکثر معنویت‌های نوظهور در نظر گرفت. قبل از ورود به بحث توجه به چند نکته لازم است:

الف) پائولو کوئلیو، رمان‌نویس یا مروج عرفانی نوظهور

درباره‌ی پائولو کوئلیو و آثارش نظرات متفاوت و گهگاه متضادی وجود دارد. برخی او را در زمره مروجین معنویت‌های نوظهور و کاذب یاد می‌کنند و در مقابل عده‌ای دیگر معتقدند کوئلیو نویسنده‌ای است که همانند دیگر نویسندگان آثارش را منتشر کرده و هرگز دنبال ترویج معنویت یا عرفان نیست که شما اسم او را در لیست عرفان‌های نوظهور یاد می‌کنید. بهتر است قبل از هرگونه اظهار نظر در این رابطه نظر خود کوئلیو را جویا شویم. او در رابطه با خودش و همچنین محتوای آثارش می‌گوید: «همین عرفان است که ارتباط و پل‌هایی بین مذاهب ایجاد می‌کند. من کوشیده‌ام از سرچشمه‌های بسیاری بنوشم، چون مردی در جست‌وجوی خدا هستم و برای

یافتن راه خودم به سوی خدا باید قلب خودم را بگشاییم. سال‌های سال، پرسش‌های بسیاری داشتم؛ اکنون به راز خدا احترام می‌گذارم. سعی می‌کنم با کارم، خدا را گرامی بدارم. سعی می‌کنم از معنویت و روحانیت سخن بگویم؛ چون می‌دانم روزبه‌روز مردم بیشتر به روحانیت و معنویت رو می‌آورند و بزرگ‌ترین جست‌وجوی من در زندگی در طریق معنویت بوده است و به همین دلیل است که این مسأله همواره در کتاب‌های من حضور دارد.» (کوئلیو، ۱۳۸۷: ۳۳) بنابراین کوئلیو اگرچه به طور صریح خود را یک رهبر معنوی نداند؛ اما صریحاً می‌گوید معنویت در آثارم وجود دارد و با مراجعه به آثارش از جمله: خاطرات یک مغ، بریدا، والکیری‌ها، ساحره پورتوبلو و... معلوم می‌شود حتی آموزه‌ها و تمرین‌هایی برای یک سالک در طریق معنوی ارائه داده است. مترجم رسمی او نیز در مورد آثار او می‌گوید: «او داستان نمی‌نویسد که داستان نوشته باشد. پس زمینه فکری او بر داستان‌هایش حاکم است. تفکر او عارفانه و معطوف به وحدت است.» (حجازی، ۷۹/۶/۱۶ و ۷۹/۷/۳) پس کوئلیو در آثارش به دنبال القای مطالب عرفانی به خوانندگانش است. نکته مهمی که در این رابطه می‌توان به آن اشاره کرد این است که در سال ۲۰۱۱ در دنیا کتابی با عنوان «رهبران معنوی جهان» منتشر شد که در آن به نام ۱۰۰ رهبر معنوی اشاره شده است. این نام‌ها متعلق به کسانی است که افکارشان با منتشرکنندگان این کتاب هماهنگ است و نام پائولو کوئلیو جزو ۲۰ نفر نخست در این کتاب ذکر شده است. این مطلب نشان می‌دهد که او در دنیا به عنوان یک نویسنده و استاد معنوی شناخته شده است. افراد زیادی اصرار دارند که استادشان در سیروسلوک، کوئلیو باشد، حتی هنگامی که به ایران آمده بود نیز عده‌ای همین درخواست را از او داشتند! (مظاهری سیف، ۱۳۹۰/۱۰/۱۱)

ب. گسترش آثار کوئلیو در ایران

گسترش آثار پائولو کوئلیو در میان تمامی قشرها و سطوح فکری مردم نبوده، بلکه جامعه ایران هرچند اسلامی است؛ اما با تأثیری که از فرهنگ غرب گرفته به صورت یک دست نیست و مردم عقاید و افکار گهگاه متضادی نیز با هم دارند و به طور طبیعی قشری که از سطح معرفتی پایینی نسبت به معارف اسلام برخوردار است

و متمایل به فرهنگ غرب است بیشتر به این گونه آثار روی می‌آورد و از محتوی آن تأثیر بیشتری می‌پذیرد. یکی از پیمایش‌هایی که در سطح کشور و میان دانشجویان دانشگاه‌های وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، وزارت علوم تحقیقات و فن آوری و همچنین دانشگاه‌های آزاد اسلامی در شهرهای مراکز استان‌های آذربایجان شرقی، اصفهان، گیلان، مازندران، کرمان، خوزستان، فارس، کرمانشاه، سیستان و بلوچستان، خراسان رضوی، همدان و تهران انجام شده است، جایگاه کوئلیو را در مقایسه با دیگر شخصیت‌های عرفانی و عارف‌نمایان نوظهور نشان می‌دهد که به طور ضمنی نشان دهنده میزان گسترش آثار کوئلیو در ایران، خصوصاً در میان دانشجویان نیز هست. جامعه آماری در این پیمایش ۷۳۶۹ نفر بوده است. (نگرش دانشجویان به مکاتب عرفانی و جریان‌های انحرافی (کشوری)، ۱۳۸۷: ۱۹۳)

| شناخته شده‌ترین عرفای ایرانی | شناخته شده‌ترین نویسندگان و عرفای غیرایرانی |
|------------------------------|---|
| ۱- مولوی ۷۶.۷٪ | ۱- جبران خلیل جبران ۴۹.۹٪ |
| ۲- علامه طباطبایی ۶۶.۲٪ | ۲- پائولو کوئلیو ۳۲.۷٪ |
| ۳- عطار نیشابوری ۶۵.۳٪ | ۳- نیچه ۲۸.۹٪ |
| ۴- حسین الهی قمشه‌ای ۶۵.۲٪ | ۴- بودا ۲۴.۴٪ |
| ۵- ملاصدرا ۵۹.۲٪ | ۵- آنتونی رابینز ۲۲.۷٪ |
| ۶- سنایی ۵۳.۴٪ | ۶- ابن عربی ۱۴.۹٪ |
| | ۷- هرمان هسه ۱۱.۶٪ |
| | ۸- اشو ۱۰.۸٪ |

بر اساس اطلاعات موجود در این پیمایش، دانشجویان در پاسخ به سؤال «شناخته شده‌ترین عرفا نزد شما چه کسانی هستند؟»، پائولو کوئلیو را به عنوان دومین عارف غیرایرانی که نزدشان شناخته شده‌تر از دیگران است نام برده‌اند! همچنین بر اساس این تحقیق، در مورد سؤال «کتاب عرفانی مطالعه شده» بیشترین درصد فراوانی مربوط به کتاب «کیمیاگر» اثر پائولو کوئلیو است که پاسخگویان این کتاب را حتی از کتاب مثنوی مولوی نیز بیشتر مطالعه کرده بودند! (همان: ۲۰۰) و در سؤال دیگری از

پائولو کوئلیو با ۱۹٪ به عنوان اولین گزینه در میان نویسندگان کتب عرفانی یاد شده است و افرادی مانند مولوی، جبران خلیل جبران، مطهری، آنتونی رابینز، شریعتی در رتبه‌های بعدی قرار داشتند. (همان: ۲۰۱)

پیمایش دیگری در آبان ماه ۱۳۸۹ توسط مرکز افکارسنجی و رصد فرهنگی وابسته به وزارت ارشاد اسلامی به صورت تلفنی در سطح شهر تهران انجام شده است. جامعه آماری در این پیمایش ۹۷۱ نفر از شهروندان بالای ۱۵ سال شهر تهران هستند که با استفاده از فرمول کوکران تعیین شده‌اند و نظرسنجی تلفنی از آنها به عمل آمده است. گزارش نظرسنجی تلفنی پیرامون میزان گسترش توجه مردم به سحر و جادو، (۱۳۸۹: ۱۵) اگرچه هدف اصلی این پیمایش بررسی میزان گرایش پاسخگویان به سحر، جادو و خرافه‌پرستی است؛ اما سؤالاتی هم راجع به آشنایی پاسخگویان با عرفان‌های نوظهور شده است.

نتایج این تحقیق در مورد میزان آشنا بودن پاسخگویان با پائولو کوئلیو اینچنین است (همان: ۴۳)

۹.۹٪ آشنایی زیادی با پائولو کوئلیو داشته‌اند.

۱۱.۷٪ آشنایی کمی با پائولو کوئلیو داشته‌اند.

۷۷.۷٪ معتقدند اصلاً آشنایی با پائولو کوئلیو ندارند.

۷٪ به این گویه پاسخ نداده‌اند.

نتیجه‌ای که از این دو پیمایش بدست می‌آید این است که هرچند کوئلیو و آثارش به صورت گسترده در میان تمامی اقشار مردم شناخته شده نیست؛ اما در مقایسه با سایر فرقه‌ها و عرفان‌های نوظهور مطرح در کشور بیشتر در بین دانشجویان، جایگاه بالایی دارد. خصوصاً با در نظر گرفتن اینکه کوئلیو شخصیت اسلامی یا ایرانی ندارد و به بیان دیگر بومی نیست و یک فرد خارجی محسوب می‌شود.

ج. سنخ‌شناسی خوانندگان آثار کوئلیو

باید توجه داشت که خوانندگان آثار کوئلیو با یک انگیزه آثار او را نمی‌خوانند و انگیزه‌هایی؛ مانند گذران اوقات فراغت، علاقه به خواندن رمان، کنجکاوی، معروف

شدن کوئلیو در ایران و جهان در گرایش به آثار او قابل ذکر است. حتی برخی با نگاه انتقادی این نوع کتاب‌ها را می‌خوانند و البته بخشی دیگر نیز هستند که مجذوب جملات زیبای موجود در آثار او می‌شوند. این نکته نیز حائز اهمیت است که این‌گونه نیست که محتوای آثار کوئلیو کاملاً باطل باشد و هیچ سخن حقی در آثار او یافت نشود؛ بلکه شاید بتوان گفت کمتر کسی است که سخنانش ۱۰۰٪ باطل محض باشد و هیچ سخن درستی نداشته باشد و حتی شاید ۶۰ تا ۷۰ درصد محتوای آثار شخصی بدون ایراد جدی باشد و همین امر باعث جذب افراد می‌شود و در اصل در شرایط التقاط است که تشخیص خوب و بد از یکدیگر مشکل می‌شود. اما نکته اینجاست که در ۳۰٪ باقیمانده شبهات و ایرادهایی وجود دارد که مبانی اساسی دین را هدف قرار می‌دهد و خواننده را دچار شبهات اساسی و بنیادین می‌کند. در یک جمله آثار کوئلیو را می‌توان به یک ساختمان تشبیه کرد که در و پنجره زیبایی دارد؛ اما پی ساختمان سست و ضعیف است. بنابراین باید توجه داشت اگر افرادی جذب کتاب‌های امثال کوئلیو می‌شوند نباید همه آنها را با یک چشم نگاه کرد، بلکه علت استقبال بسیاری از افراد را می‌توان تأثیرگذاری جملات زیبایی دانست که در آثار کوئلیو وجود دارد که یا اشکالی ندارند یا ایراد کمی به آنها وارد است و در بعضی موارد با فرهنگ ایرانی و اسلامی ما نیز سازگار است. به یک نمونه از این نوع جملات که در کتاب «عطیه برتر» آمده توجه کنید. کوئلیو این کتاب را در مورد عشق نوشته است و عشق را عطیه برتر می‌داند و در چند جای کتاب خداوند را عشق معرفی می‌کند. کوئلیو می‌گوید عشق از نه عنصر اصلی تشکیل شده است:

بردباری: عشق بردبار است؛

مهربانی: مهربان است؛

سخاوت: عشق در آتش حسد نمی‌سوزد؛

فروتنی: غرور ندارد؛

ظرافت: عشق اطوار ناپسندیده ندارد؛

تسلیم: نفع خود را خواهان نیست؛

تسامح: خشم نمی‌گیرد؛

معصومیت: سوء ظن ندارد؛

صداقت: از ناراستی شاد نمی‌شود، اما با راستی به شغف می‌آید. (کوئلیو،

۱۳۸۷ب: ۴۲)

پس همچنان که نمی‌توان همه خوانندگان آثار کوئلیو را از یک صنف و دارای یک سطح فکری دانست، نمی‌توان انگیزه خوانندگان آثار کوئلیو از خواندن یک یا چند اثر از آثار او را به یک عامل ربط داد.

نگاه جامعه‌شناختی به سیر ورود عرفان‌های نوظهور به ایران^۱

الف. ورود به کشور از اواسط دهه ۶۰

اولین نشانه‌های ورود این عرفان‌ها به کشور را می‌توان در دهه ۶۰ ردیابی کرد. وقتی این گونه معنویت‌ها در آن زمان وارد کشور شدند، ایران به علت درگیری در جنگ با عراق و دفاع مقدس در اوج معنویت قرار گرفته بود؛ انقلاب و بعد مواجهه با جنگ تحمیلی و رهبری معنوی امام، فضای کشور را مملو از معنویت و آموزه‌های اخلاقی و عملی اسلام کرده بود. معنویت که سبب شده بود جوانان آن دهه نه از روی جهالت، که با عشق و اعتقاد به آموزه‌های دین خود را سپر گلوله‌های دشمن قرار دهند. بنابراین وقتی معنویت‌های نوظهور وارد ایران با آن پیشینه عرفانی شد، به دلیل آشنایی غالب مردم با آموزه‌های دینی و معنوی اسلام و همچنین سخنان امام خمینی که الهام گرفته از سرچشمه‌های دین بود، این گونه معنویت‌ها با استقبال بسیار سرد مواجه گردید. اما در ادامه و بیشتر بعد از پایان جنگ تحمیلی و در دولت سازندگی، این گونه جنبش‌های نوپدید به تدریج و اغلب از طریق ترجمه آثار نویسندگانی از جمله کارلوس کاستاندا، کریشنامورتی، پائولو کوئلیو و... توسط مترجمین و ناشرین وارد فضای فکری و فرهنگی کشور گردید و مخاطبینی را به خود جذب کرد که اغلب از قشر دانشجوی و متوسط جامعه بودند. در خصوص ورود آثار پائولو کوئلیو به ایران،

۱. در قسمتهایی از این بخش از مصاحبه با آقای «اروند ملا» کارشناس شورای فرهنگ عمومی کشور در زمینه مقابله با عرفان‌های نوظهور استفاده شده است.

اولین اثری که از او وارد کشور شد رمان کیمیاگر بود که در سال ۱۳۷۴ توسط خانم دل‌آرا قهرمان ترجمه و وارد بازار نشر گردید.

این گروهها و جریانها در آغاز هواداران خود را از بین قشر بی‌مبالات نسبت به دین جستجو می‌کردند، زیرا همچنان که بیان شد قشر متدین به آموزه‌های آنان توجهی نشان نمی‌داد. از این رو، رهبران فکری و همچنین مروجین این گونه عرفانها برای نفوذ در عموم جامعه از جمله در بین قشر مذهبی، رویکردهای جدیدی را در پیش گرفتند. اولین راهکارها را می‌توان در کاهش دافعه خود و آموزه‌های القایی از سوی خود نسبت به جوانان متدین رصد کرد؛ بدین معنا که باید این فکر که در اندیشه و ذهن یک جوان مسلمان وجود دارد که نسبت به هر دینی غیر از اسلام موضع منفی دارد کمرنگ گردد. روشن است که تا این نگرش در اذهان جوانان رسوخ پیدا کرده باشد زمینه‌ای برای پذیرش ادیان و معنویت‌هایی که از مسیری غیر از مسیر و شیوه اسلام وارد می‌شوند وجود ندارد بدین منظور می‌توان دو مرحله را برای نیل به این هدف برشمرد:

مرحله نخست: در مرحله اول معنویت‌های نوظهور خود را پلورالیستی معرفی کردند. یعنی ماهیت خود را به مخاطبین، ماهیتی پلورالیستی می‌شناساندند و به بیان دیگر خود را ملتزم به تکررگرایی می‌دانستند. این معنویت‌ها در مواجهه با مخاطب این گونه ابراز می‌داشتند که معنویتی که ما مبلغ آن هستیم فقط خود را بر صراط مستقیم نمی‌داند، بلکه همه ادیان را در مسیر رسیدن به حق تلقی می‌کردند و معتقد بودند هر دینی بهره‌ای از حقانیت دارد. هیچ دینی را شرف و امتیاز بر دین دیگر نیست. در نتیجه به مخاطب این گونه القاء می‌کردند که گمان نکنید آموزه‌ها و تعالیم ما در نقطه مقابل با دین اسلام قرار دارد و یا نسبت به اسلام دشمنی و خصومتی دارد. نه تنها آموزه‌های ما در تقابل با اسلام نیست، بلکه شما به عنوان یک مسلمان می‌توانید در عین پایبندی به اسلام، به آموزه‌ها و افکار ما هم توجه کنید و این دو حتی مکمل یکدیگر نیز خواهند بود!

اما تا اینجا ۵۰٪ مشکل حل می‌شود زیرا مخاطبی که با مبانی و مفاهیم اسلامی

آشناست ممکن است در مقابل این گونه شبهات مقاومت کند و بگوید شما معارض نیستید؛ اما عقیده من با شما در تعارض است و به بیان دیگر شما اسلام را پذیرائید، اما اسلام شما را پذیرا نیست. اینجاست که لایه دیگری از مقابله برای نفوذ و پذیرش افکار خود از سوی مروجین معنویت‌های نوظهور مطرح گردید.

مرحله دوم: در مرحله بعد پا را از این فراتر گذاشتند و این گونه بیان داشتند که «عرفان دینی» که در اسلام مطرح است نیز ماهیتی پلورالیستی دارد. آقای سروش کتابی می‌نویسد به نام «صراط‌های مستقیم» و در آن مولوی و ابن عربی را پلورالیست معرفی می‌کند. (سروش، ۱۳۷۷: ۲۱۳) تمسک به این قبیل نوشته‌ها که در لابه‌لای کتاب‌های نویسندگان درون جامعه ایران وجود داشت و گاهی استناد به برخی از احادیث و برداشت نادرست از آنها سبب شد این تفکر که اسلام هم معنویت‌های نوپدید را پذیراست و آنها را ناحق نمی‌داند به تدریج در بین جوانان، به‌خصوص دانشجویان و افراد اهل مطالعه جا بیفتد.

اما گام بعد نزدیک شدن به اسلام بود. یکی از تکنیک‌ها برای این امر استفاده از «مشابهت‌ها» است. استفاده از این تکنیک در میان آثار معنویت‌های نوظهور دیده می‌شود. برای مثال در لابه‌لای آثار پائولو کوئلیو، استفاده از مشابهت‌ها برای پذیرفتن کردن یک ایده دیده می‌شود. کوئلیو برای تأثیرگذاری بر مسلمانان و جذب مخاطبان مسلمانش بعد از القای مفهوم مورد نظرش برای آنکه مخاطب مسلمان هم آن باور را قبول کند به جمله‌ای از پیامبر اسلام (ص) استناد می‌کند. معنویت‌های نوظهور اذعان می‌کنند بین تعالیم ما و معنویت و عرفان دینی، مشابهت‌های زیادی وجود دارد تا جایکه کار را به تفسیر آیات بر طبق تعالیم خودشان رساندند. اقدام دیگر در این راستا «تلفیق» بود. آنها آموزه‌های عرفان دینی را با تعالیم خودشان درهم آمیختند. برای مثال هم دعا می‌خواندند و هم حافظ و مولوی و هم مدیتیشن می‌کردند و از این قبیل کارها و به این وسیله آرام آرام در میان اقشار متدین نیز نفوذ کردند. وقتی دافعه از بین برود، وقتی مشابهت‌ها به نادرست عرضه شود و وقتی تلفیق رخ دهد، طبیعی است که دیگر حساسیت جوانان مسلمان در پذیرش این گونه معنویت‌های نوظهور از بین

می‌رود. بسیاری از جوانان مسلمان در حال حاضر مدیتیشن انجام می‌دهند. و به یوگا روی آورده‌اند؛ حتی این تعالیم در بعضی از هیأت‌های مذهبی به کار گرفته می‌شود؛ با این نگاه که جذب جوانان در هیأت با این تعالیم بیشتر می‌شود. آنچه یک آسیب را در درازمدت به وجود می‌آورد این است که چون ذات این تعالیم با عرفان دینی ناخواناست، چیزی که آرام آرام از صحنه بیرون می‌رود معنویت دینی و شعائر دینی است.

ب. دوران اصلاحات

در دوران اصلاحات این جریان‌های معنوی نه تنها ادامه پیدا کردند، بلکه از سوی مسئولین دولتی پذیرفته شدند و حتی مورد حمایت قرار گرفتند. با این تحلیل که این افکار راه حل خوب و جدیدی برای زندگی ارائه می‌دهند، هم معنوی، جذاب و دلنشین هستند، هم عامه‌پسند، هم پز روشنفکری دارند و در عین حال جوانان را بی‌دین و ایمان نمی‌کنند!

به تدریج مترجمین و انتشاراتی‌ها از غفلت محض مسئولین استفاده کردند و تاکنون هزاران عنوان کتاب پیرامون جنبش‌های نوپدید و عرفان‌های کاذب منتشر شده است. به طور مشخص بعضی از ناشرین خاص از جمله کاروان، میترا، نسل نواندیش و... تنها برای ترجمه این نوع عرفان‌ها در زمان دولت اصلاحات پایه‌گذاری شدند. این دوران را می‌توان دوران شکل‌گیری و اوج گسترش آثار پائولو کوئلیو در ایران دانست! به بیان دقیق‌تر آثار پائولو کوئلیو در زمان دولت اول اصلاحات (۱۳۷۶-۱۳۸۰) وارد کشور گردید و با سیاست‌های حاکم بر وزارت ارشاد وقت از جمله تساهل و تسامح، نگاه باز فرهنگی، تحمل مخالف و... در دولت دوم اصلاحات (۱۳۸۰-۱۳۸۴) به شدت گسترش یافت؛ تا جاییکه بعضی از کتاب‌های او حتی زودتر از برزیل که زادگاه کوئلیو است ابتدا در ایران انتشار پیدا می‌کرد. برای نمونه می‌توان به کتاب زهیر اشاره کرد که در سال ۱۳۸۳ ابتدا در ایران و بعد از آن در برزیل به چاپ رسید.

ج. ظهور عرفان‌های بومی و افول ترجمه‌ی کتاب‌های خارجی

در دوران اصلاحات بعضی از افراد از جمله پیمان فتاحی، محمدعلی طاهری،

آزمندیان و... که خود افکار عرفان‌های وارداتی را درس می‌دادند به فکر تولید عرفان بومی افتادند. این افراد با استخدام و کمک کارشناسان به اصطلاح دینی (که بعضی حتی یک عبارت عربی را نمی‌توانستند درست بخوانند) دنبال مؤیداتی از اسلام برای موضوعات مختلف از جمله ارتباط با عالم ارواح، جن‌گیری، انرژی درمانی و... افتادند. زیرا مردم به‌خصوص قشر مذهبی در برابر عرفان‌هایی، مثل عرفان سرخ‌پوستی مقاومت می‌کردند؛ زیرا بطلان آموزه‌های آن را تشخیص می‌دادند؛ اما اگر عرفانی بومی تولید شود که در آن مضامینی که در اسلام هم وجود دارد گنجانده شود و حتی مستندات از مذهب نیز برایش ذکر گردد طبعاً میزان تأثیرگذاری آن بیشتر خواهد بود به گونه‌ای که در اواخر دوران اصلاحات این نوع عرفان‌های وارداتی به شدت فعال بودند و افراد زیادی را حتی از قشرهای مذهبی به خود جذب کردند.

البته چاپ کتاب در مورد عرفان‌های وارداتی تا سال‌های اخیر هم به‌رغم کاهش نسبی، نسبت به دوران اصلاحات همچنان ادامه دارد. به نظر می‌رسد از دلایل این افول، شیفت از حوزه کتاب به اینترنت باشد زیرا در دهه ۱۳۷۰ دسترسی به اینترنت در کشور محدود بود و هنوز فراگیر نشده بود. ضمن اینکه دیگر آن نگاه لیبرالی و حمایتگر دولتی که در دوران اصلاحات وجود داشت، بعد از پایان آن دولت و با روی کار آمدن دولت نهم ادامه پیدا نکرد، هرچند کاملاً هم از بین نرفته است.

البته از آنجا که مرزهای فرهنگی بسیار نامرئی و در برخی موارد نامشخص است، شاید بتوان گفت که قالب و شکل ورود آنها تغییر کرده و گاهی نام چند نفر از مروجین و رهبران این معنویت‌ها بر سر زبان‌ها است و بعد از گذشت چند سال ممکن است آثار افراد دیگری ترویج شود. توجه به این نکته نیز مهم است که گاهی معنویت کاذب در قالب هیچ گروه یا فرقه‌ای بروز و ظهور ندارد، بلکه در ضمن یک مجله زرد، یک کلاس، اردو، رمان و داستان و... خود را نشان می‌دهند. مانند کلاس‌های خودشناسی، موفقیت، مدیریت زندگی روزمره، درمان‌های جدید و... (ویلسون و کرسول، ۱۳۸۶: ۱۱)

معنویتی که امروزه در آثار کوئلیو وجود دارد از همین نوع است، یعنی بدون

اینکه در قالب یک فرقه یا گروه خاصی فعالیت کند و طرفدارانی داشته باشد، معنویت سیالی را در آثارش معرفی می‌کند.

د. التقاط افکار عرفان‌های جدید با تعالیم اسلام در اواخر دهه ۱۳۸۰

هرچند با روی کار آمدن دولت نهم و دهم حمایت‌های دولتی از اینگونه عرفان‌ها وجود نداشت یا حداقل کم‌رنگ شده بود. اما در اثر کثرت و گسترش این افکار و بازتولید آنها در قالب‌های و ابزارهای متنوعی مانند کتاب، مقاله، مجلات روشنفکری، روزنامه، اینترنت، رمان، فیلم، موسیقی، پیامک‌هایی که بین افراد منتقل می‌شود و حاوی جملات قصار عارف‌نماها است و عملاً تعالیم و آموزه‌های این عرفان‌ها وارد زندگی عمومی مردم گردید و به تدریج ما با تغییر در «سبک زندگی»^۱ افراد در فرهنگِ حداقل قشر خاصی از ایرانی‌ها مواجه شدیم. بدین معنا که بعضی از افکار یا افعال را همه قبول داشتند و معلوم نبود آیا حرف اسلام است یا اشو یا کوئلیو یا اکنکار یا مؤسسات موفقیت و یا...، بلکه همه به نوعی از آن سخن می‌گفتند و به آن معتقد بودند، مثل ریلکسیشن و یا قانون جذب. بنیانگذار قانون جذب آبراهام هیکس است. این قانون در عصر جدید از سال‌های دهه ۱۹۹۰ میلادی مورد توجه قرار گرفته است (لویز، ۱۳۸۶: ۵). حتی کتاب‌هایی نوشته‌شده که در آن تمرین‌های متعددی را برای سی روز به مخاطب ارائه می‌دهد تا فرد بتواند از قانون جذب به صورت عملی استفاده کند و در مدت سی روز زندگی خود را تغییر دهد (گل‌پرور، ۱۳۸۹: ۱۰۳-۳۸۵).

قانون جذب فرآیندی است که طی آن نامتجلی، متجلی و ناظر، منظور می‌گردد. شما آنچه در دل می‌پرورید را به سمت خود جذب می‌کنید. هرگونه شرایط، هر شخص و هر موقعیتی را که به سوی خود فرا می‌خوانید و آن را تجربه می‌کنید و این به طور دقیق همان چیزی است که در درون شماست (کنکاش، ۱۳۹۱: ۲۳). بر طبق قانون جذب من در زندگی هر آن چیزی را جذب می‌کنم که توجه، انرژی و تمرکز خود را به آن معطوف می‌کنم چه مثبت باشد یا منفی (لویز، ۱۳۸۶: ۱۲). مواردی دیده

1. Life Style

شده که فردی برای بدست آوردن یک ماشین آخرین مدل با تأسی به قانون جذب شغل و زندگی خود را تعطیل کرده و تنها به آن ماشین فکر می‌کرد و تمرکز فکریش برای بدست آوردن آن ماشین بود و معتقد بود از این طریق به آن ماشین می‌رسد!

زمینه‌های معرفتی ورود و گسترش در ایران

الف. عطش و میل فطری انسان به معنویت و عدم ارضاء آن

همهٔ انسان‌ها فطرت الهی دارند که آنها را به سوی خداوند فرا می‌خواند و این صدایی است که هیچ‌گاه خاموش نمی‌شود و نوری است که فروغ آن افول نمی‌کند» لا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ» (روم: ۳۰).

فطرت همان بُعد روحانی و ملکوتی انسان است که در عالم آلت و در محضر ربوبی، پروردگار خود را به درستی شناخته است. چنانچه عبدالله بن سنان از امام صادق (ع) پرسید: کدام فطرت است که آیه شریفه «فَطَرَتَ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» (همان) از آن یاد کرده است؟ امام فرمود: اسلام است که خداوند وقتی از بشر بر توحید خویش پیمان می‌گرفت، به مؤمن و کافر فرمود: «أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ» (اعراف: ۱۷۲ و کلینی، ۱۳۷۲: ۴۲-۴۵)

ابن مسکان می‌گوید: از امام صادق (ع) پرسیدم گواهی گرفتن که در آیه «وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ» (اعراف: ۱۷۲) آمده، آیا حقیقت دارد؟ فرمود: آری اما مردم آن را از یاد برده‌اند، اما اصل آن معرفت را از دست نداده‌اند و به زودی به یاد خواهند آورد و اگر معرفت هم از دست می‌رفت، هیچ‌کس نمی‌فهمید که خالق و روزی دهنده‌اش کیست (طباطبائی، بی‌تا: ۴۲۳). فطرت لایه‌ای از وجود انسان و شأنی از هستی اوست که در محضر خدا حاضر بوده و شاهد جلال، جمال، شکوه، کمال، نور، علم، قدرت، لطف، رحمت و سایر کمالات اسمائی و جلوه‌های صفات عالی الهی است. هدایت فطری و دعوت الهی که نور او در وجود ماست، هیچ‌گاه خاموش نمی‌شود؛ اما کسانی که از پس حجاب طبیعت آن را می‌بینند و می‌شنوند، از ملاقات با حقیقت ناب محروم می‌شوند.

بنابراین انسان فطرتاً موجودی خداجو است که در پی یافتن پاسخ به نیازهای معنوی خود است و با توجه به آیات و روایتی که نقل شد، می‌توان گفت: هر انسانی، یک تجربه معنوی نهفته در وجود خود دارد که قبل از ورود به این دنیا به دست آورده است و اکنون گرایش به آن در او وجود دارد که به آن باید پاسخ داده شود (مظاهری سیف، ۲۸۴، ۱۳۸۶-۲۸۵). این گرایش اگر به درستی پاسخ داده شود، فرد به سمت دین و معنویت حقیقی سوق پیدا می‌کند. اما وقتی در فضایی زندگی می‌کنیم که از یک جهت نیازهایی وجود دارد و باید اشباع شود و از سوی دیگر سازوکار درستی که بتواند به آن نیازها پاسخ صحیح و متناسب با نیاز افراد را بدهد به اندازه کافی در دسترس عموم نیست، در این صورت به دلیل وجود چنین گرایشی بعضی از افراد ناگزیر به دنبال جایگزین‌های غیراصیل خواهند رفت و اینجاست که زمینه برای ظهور معنویت‌های کاذب مهیا می‌شود که هرچند در راستای تمنای فطری انسان هستند، اما پاسخی مسخ شده به آن می‌دهند.

نتایج پیمایشی که در سطور بالا ذکر شد حاکی از وجود این میل فطری در میان دانشجویان است و نشان می‌دهد در اثر فقدان پاسخ مناسب و ارضا نشدن صحیح این میل، پاسخ‌های کاذب و غیراصیل از طریق معنویت‌های نوظهور به آن داده شده است. بر طبق این پیمایش پاسخگویان مهم‌ترین دلایل تمایل خود به عرفان را معرفت نفس و شناخت خود و کائنات (۲۵.۲٪) و تقرب و نزدیکی به حضرت حق (۱۹٪) بیان کرده‌اند. البته دلایلی مثل رسیدن به آرامش (۸٪)، رسیدن به کمال و تعالی (۷٪)، آشنایی با عرفان و مکاتب عرفانی (۷٪)، انگیزه‌های باطنی و عشق درونی (۶٪) در مراتب بعدی بودند (نگرش دانشجویان به مکاتب عرفانی و جریان‌های انحرافی (کشوری)، ۱۳۸۷: ۲۰۳).

در این تحقیق در خصوص امور عرفانی مورد علاقه دانشجویان نیز این نتایج بدست آمده است:

۶۳٪ علاقه به کسب توانایی ایجاد ارتباط سازنده؛

۶۱٪ علاقه به برقراری ارتباط با امام زمان (ع)؛

۵۱٪ علاقه به داشتن نوشته‌ها و اشیاء متبرک (آیات قرآن، ادعیه، انگشترهای حرز و...)

۵۰٪ علاقه به انجام مکاشفه؛

۴۵.۵٪ تمایل زیادی به گفتن اذکار و اوراد اسلامی؛

۴۳٪ به سیر و سلوک باطنی؛

۳۲٪ به انرژی درمانی؛

۲۶٪ به یوگا؛

۲۵.۵٪ به گفتن اذکار و اوراد عرفانی منقول از اساتید باطنی؛

۲۳٪ به مدیتیشن؛

۱۸٪ علاقه به طالع‌بینی و کف‌بینی؛

۱۷٪ علاقه به داشتن اشیایی که به اعتقاد برخی شانس می‌آورد (گوی‌ها و مهره های چینی، هندی و...) (همان).

همچنین در یک پرسش باز درباره‌ی راه‌های رسیدن به آرامش حقیقی، «ارتباط با خدا و شناخت پرورگار» با ۴۴.۷٪ بیشترین درصد فراوانی را به خود اختصاص داده بود و پس از آن، باورهای دینی، در مراتب بعدی قرار داشت. لازم به ذکر است ۹۶٪ پاسخگویان شیعه بودند و ۷۹٪ نیز مذهب شیعه را به میزان زیادی پاسخگوی نیازهای بشر امروزی دانسته‌اند (همان: ۱۹۷).

با نگاه به درصد‌های بدست آمده در این تحقیق می‌توان این نتیجه را گرفت که نیاز به معنویت یک نیاز فطری است و به‌رغم ظهور انحراف‌هایی در بین دانشجویان در پاسخ به این نیاز فطری، اما همچنان ارتباط با خدا و تأمین این نیاز از طرق مورد تأیید دین بیشترین درصد فراوانی را به خود اختصاص داده است و در مواردی که این نیاز از طرق دینی پاسخ مناسب دریافت نکرده، جایگزین‌های دیگری این خلأ را پرکرده است.

ب. جهل و بی‌خبری

می‌توان جهل و بی‌خبری افراد نسبت به مبانی، اصول و اعتقادات اسلامی از یک

طرف و همچنین نبود آگاهی از اهداف و ماهیت باطل برخی آموزه‌های کوئلیو یا دیگر عرفان‌های کاذب را یکی از زمینه‌ها دانست. باید اعتراف کرد که در این جهت، همانگونه که خود افراد در اینکه سطح مطالعات و معرفت دینی خودشان را ارتقاء نداده‌اند، مقصر هستند؛ صاحبان تفکر دینی و نهادهای تبلیغ دین نیز در معرفی نکردن دقیق و کامل اسلام ناب و دور نکردن خرافه‌ها از آن نسبت به آحاد مردم، به‌ویژه نسل جوان از طرق و ابزارهای گوناگون فرهنگی مقصرند. در پیمایشی که از دانشجویان صورت گرفته است، زمانیکه از آنان علت سرخوردگی از دین اسلام و گرایش به معنویت‌های دیگر سؤال شد، عوامل مطرح شده که بیشترین درصد فراوانی را به خود اختصاص دادند عبارت بودند از: معرفی بد دین اسلام توسط مسئولین نظام جمهوری اسلامی، محدودکردن جوانان و سخت‌گیری‌های بیش از حد، عدم ارائه شناخت صحیح از دین اسلام و آموزش‌ها و برداشت‌های غلط، اختلاط دین و سیاست، تأکید بیش از حد بر مسائل ظاهری و در حاشیه بودن اصل دین و وجود فاصله بین بزرگان، علمای دین و جوانان (میرخلیلی، ۱۳۹۰: ۱۰۰).

شاهد دیگر بر این مطلب تحقیقات چهره‌به‌چهره و میدانی محقق است که با مواردی برخورد کردم که بعضی تنها از روی کنجکاوی و یا شنیدن بعضی از جملات کوئلیو از دوستان، تعدادی از کتاب‌های کوئلیو را خوانده بودند و ناآگاهی آنها نسبت به مبانی فکری کوئلیو سبب شده بود دغدغه‌ای نسبت به اینکه ممکن است محتوای آثار او باطل باشد نداشته باشند، و صورت زیبا، آنها را از سیرت زشت غافل کرده بود. البته این نکته لازم به ذکر است که در مورد این‌گونه مخاطبان کوئلیو، این‌طور نیست که به تمامی نکات باطل او پی ببرند که در لابه‌لای رمان‌هایش هست؛ تا چه برسد به اینکه از آن تأثیر هم بپذیرند و به عنوان یک عقیده به آن معتقد شوند. اینگونه افراد همچنان‌که بیان شد از روی کنجکاوی، مشهور شدن کوئلیو و اینکه می‌بینند فلان دوستشان کتاب کوئلیو را می‌خواند، ممکن است تنها یکی دو مورد از آثار کوئلیو را خوانده باشند و در مورد بعضی دیگر، حتی به طور کامل یک کتاب را نمی‌خوانند و طبعاً تأثیر چندانی در آنها نخواهد گذاشت و اگر هم تأثیری باشد به صورت سطحی و

زودگذر خواهد بود؛ مانند جملاتی که در پیامک‌ها یا توسط خوانندگان آثار او بین یکدیگر ردوبدل می‌شود. جملاتی که افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد همه باطل نیست و به ناگاه همین جملات زیبا است که زمینه گرایش به آثار را در برخی ایجاد می‌کند. برای مثال درباره‌ی پائولو کوئلیو، جملات قصار و اخلاقی او که در لابه‌لای کتابهایش است، به صورت پیامک بین دوستان ردوبدل می‌گردید و حتی کتابی در این رابطه در سال ۱۳۸۷ به چاپ رسیده که پیامک‌هایی را از آثار کوئلیو جمع‌آوری کرده است و در کمتر از یک سال به چاپ سوم نیز رسیده است (فیروزی، ۱۳۸۸).

بعضی از کاربران در اینترنت نیز خود را طرفدار او می‌دانند از جمله: «من کتاب‌های آقای کوئلیو را صددرصد و با دقت خوندم باید اعتراف کنم که خیلی کم‌کم کرده می‌دونم ممکنه از حرفم خیلی‌ها ناراحت بشن، ولی من به شدت طرفدار ایشون هستم.» (امیر علی، ۱۳۹۱/۵/۱۱) و حتی برخی اذعان می‌کنند با اینکه معتقد به اسلام هستند، اما از آثار کوئلیو استفاده کرده‌اند و خواندن این آثار، آنها را در دینشان محکم تر کرده است. از جمله این نظر: «من با کتاب‌های ایشون زندگی کردم. خیلی جاها راهمو پیدا کردم. با همه اعتقادات اسلامیم. تازه باورهامو به دینم قویتر میکنه» (الی سعیدی، ۱۳۹۱/۳/۲).

بنابراین می‌توان ناآگاهی و همچنین ضعف افراد نسبت به مبانی دین اسلام را از زمینه‌های گرایش به آثار کوئلیو و سایر عرفان‌های نوظهور دانست. البته همچنان‌که گفته شد این نکته نیز لازم به ذکر است که ممکن است علت بعضی از این نظرات این باشد که آنها هیچ به نکات منفی آموزه‌های کوئلیو پی نبرده‌اند و بیشتر تحت تأثیر بعضی از جملات زیبا و درست او قرار گرفته‌اند.

ج. تبلیغ عدم نیاز به شریعت و ترویج اباحی‌گری در آثار کوئلیو

در حالی که در عرفان اصیل اسلامی، عمل به شریعت برای رسیدن به حقیقت، امری ضروری شمرده شده و متخلف را از حقیقت محروم می‌داند، چنانکه ابن عربی می‌گوید: «ما نال من جعل الشریعه جانبا شیئاً و لو بلغ السماء مناره؛ هر که از شریعت فاصله گیرد، اگر تا آسمان هم برسد، به چیزی از حقیقت نایل نمی‌شود.» (ابن

عربی، بی تا، ص ۱۶)؛ اما در عرفان‌های نوظهور و همچنین در آثار کوئلیو لزوم پیروی از شریعت نفی می‌شود. کوئلیو در کتاب‌های خود علیه دستورات و مقررات شرعی ادیان سخن می‌گوید و سعی دارد با از بین بردن قبح گناه و انکار بُعد شرعی دین، اساساً مبنای دستورات شرعی را نه یک مبنای الهی، بلکه قرارداد اجتماعی معرفی کند (کوئلیو، ۱۳۸۶، ص ۱۶۰). برای مثال از احکامی که همه شریعت‌های الهی به آن هشدار داده‌اند، رعایت حریم در امور جنسی است؛ بگونه‌ای که روابط جنسی در خارج از قلمرو مجاز خود در کانون خانواده، حرام اعلام شده است. کوئلیو، سرچشمه این باور را نه حکم الهی، بلکه قراردادی برای مقابله با مسأله کمبود تغذیه اعلام می‌کند (کوئلیو، ۱۳۸۴ الف: ۱۶۹-۱۷۰).

به اعتقاد کوئلیو، مهم پیدا کردن راهی برای رسیدن به آرزو است و برای این کار نوع عمل چندان اهمیت ندارد؛ اندیشه صرف هم انسان را به همان جا می‌رساند که عمل می‌رساند. خداوند دو استعداد به انسان داده که هر دو او را به یک جا می‌رساند: عمل و اندیشه. نیازی نیست که اندیشه همراه عمل باشد (کوئلیو، ۱۳۸۷: ۱۷۰). بنابراین از آنجا که در اندیشه کوئلیو عمل چندان اهمیت ندارد، چه بسا افرادی به آرامش برسند؛ اما نه از راه دین‌داری و عمل به شریعت. پائولو در «دومین مکتوب» به همین منظور جملات نقاشی را نقل می‌کند که دینش را کنار گذاشته بود: «... اما دریافتم دیگر نمی‌توانم زندگی‌ام را این‌طور ادامه دهم. آنگاه بود که دین را کنار گذاشتم. امروز هم کشاکش‌ها و لحظه‌های خشم و ناامیدی خود را دارم؛ اما احساس می‌کنم بار دیگر به انسان‌ها نزدیک هستم... پس به خداوند هم نزدیک‌تر شده‌ام.» (کوئلیو، ۱۳۸۷: ۵۳ و ۵۴) کوئلیو در اینجا به دنبال این نتیجه است که بدون دین هم می‌توان به خدا رسید. در نگاه او خداوند وقتی راضی است که انسان در پی رویاهای خود باشد و آنچه را روحش دوست دارد انجام دهد و خدا هم همان را دوست دارد (کوئلیو، ۱۳۸۷: ۱۴۸) و به دنبال یافتن عشق در جست‌وجوی نیمه گمشده‌اش باشد (کوئلیو، ۱۳۸۳: ۷۷). پس اگر شریعتی هم در کار باشد، آن شریعت شیوه پی‌گرفتن آرزوها و یافتن عشق است. در جای دیگر می‌گوید اگر عشق بورزید

در ماوراء شریعت‌اید (کوئلیو، ۱۳۸۷: ب: ۳۰). اگر یگانه وظیفه هر کس تحقق بخشیدن به رؤیاهای خود باشد، (کوئلیو، ۱۳۸۸، ص ۴۰) دیگر نیازی به شریعت نیست.

به نظر پائولو رسیدن به هدف مطلوب است و هر راهی که به آن برسد، هر چند روسپیگری باشد، شایسته است. او در کتاب «یازده دقیقه» که بیان سرگذشت یک روسپی است، ماریا و اراده‌اش را می‌ستاید که برای رسیدن به پول حاضر می‌شود تن به فاحشگی بفروشد (کوئلیو، ۱۳۸۳: ب: ۱۳۹). با وجود هرزگی نیز می‌توان به خدا رسید. چه بسا راهی که در اندیشه نهی زن بدکار از کردارش باشد، جهنمی شود و زن بدکاره بهشتی شود (کوئلیو، ۱۳۸۷: ۱۷۶-۱۷۷). چه بسا آدم مست و بی‌اعتقاد هم تنها با خواندن نیایشی که از مادرش فرا گرفته در جوار رحمت الهی، غرق نور باشد (کوئلیو، ۱۳۸۹: ۸۵).

نکته دیگر این است که شراب‌نوشی و باده‌گساری در همه کتاب‌های پائولو دیده می‌شود و حرمت آن به تدریج برای خواننده زوده می‌شود. در نگاهی به مسأله شراب و عادی جلوه‌دادن آن در آثار کوئلیو بسامد اشاره به نوشیدن شراب چنین رصد شده است: در رمان یازده دقیقه شاید به تعداد تمام صفحات کتاب، در رمان زهیر ۳۴ مرتبه، رمان کنار رود پیدرا نشستم و گریستم ۱۶ مرتبه، زائر کوم پوستل ۱۳ مرتبه، بریدا ۱۳ مرتبه، در والکری‌ها ۵ مرتبه، ساحره پورتوبلو ۴ مرتبه، در ورونیکا تصمیم می‌گیرد بمیرد ۳ مرتبه (حسینیان، ۱۳۹۰: ۲۳۷).

مواردی که ذکر شد بخشی از استناداتی بود که در آثار کوئلیو وجود دارد که در مجموع می‌خواهد این پیام را به مخاطبین خود القاء کند که بدون پیروی از دستورات شریعت نیز می‌توان انسان خوبی بود و به خدا نزدیک شد و اساساً لازم نیست انسان در زندگی به دنبال شریعت خاصی باشد. پائولو گذر از راه ادیان را رنج‌آور می‌خواند (کوئلیو، ۱۳۸۴: ب: ۱۶۸) و معتقد است راهی را که او راهنمای آن است، از رنج و درد خالی است. کوئلیو در وصف راه خود می‌گوید: «در کتاب خاطرات یک مغ کوشیدم تا نشان دهم لازم نیست آموزه‌ها را با درد و رنج مرتبط بدانیم، بلکه فقط نظم و توجه کافی است.» (کوئلیو، ۱۳۸۳: ج: ۱۲) شاید به همین علت است که بر

اساس نتایج یک نظرسنجی در یک مؤسسه تحقیقاتی، پائولو کوئلیو، در میان شادترین نویسندگان ادبیات اسپانیولی زبان در رتبه اول قرار دارد و از دید پاسخگویان، شادترین نویسنده اسپانیولی زبان است. در این تحقیق ۸۷٪ شرکت‌کنندگان معتقد بودند شادی به معنای لذت بردن از مسائل جزئی روزمره است (ر.ک: «شادترین نویسندگان ادبیات اسپانیولی معرفی شدند»، ۱۳/۴/۱۳۹۱).

البته لازم به توضیح است که کوئلیو اگرچه مخاطبین خود را از عمل به شریعت خاصی نهی می‌کند؛ اما برخلاف گفته خود او در آثارش دستورالعمل‌هایی را برمی‌شمارد که معتقد است باید سالک به آن عمل کند. به بیان دیگر باید و نبایدهای خداوند که در قالب دین بیان شده را نفی می‌کند و به جای آن مخاطبین را به آموزه‌های خود دعوت می‌کند. برخی از این تمرین‌ها و راه‌هایی که برای تحصیل حالات معنوی در آثار او آمده عبارتند از: رقص، زیارت رفتن، دعا خواندن، توجه و پی‌گیری ندای درون، سحر، به دنبال نشانه‌ها رفتن، سکس، موسیقی، شادی، تمرین خودآزاری، احضار قاصد، تمرین آب، تمرین زنده‌به‌گور شدن، خیره شدن به شعله شمع، دراز کشیدن و تصور یک مغازه، آزار دادن جسم و... (حسینیان، ۱۳۹۰: ۲۴۰-۲۹۰).

این‌گونه آموزه‌ها و تلقی‌ها از یک‌سو با روحیات دوران جوانی که میل به آزادی بی‌حد و حصر و رهایی از قیدوبندها دارد و مقررات را سد راه ارضاء تمایلات خود می‌بیند موافق است و از سوی دیگر مخاطبینی که نسبت به احکام ظاهری و تکلیفی احساس محدود بودن می‌کنند، با آشنایی با این آموزه‌ها به آنها متمایل می‌شوند. بنابراین می‌توان حمله به شریعت و لازم ندانستن آن در زندگی را که در آثار کوئلیو بر آن تأکید شده یکی دیگر از زمینه‌های گسترش آثار کوئلیو خصوصاً در بین جوانان به‌شمار آورد؛ نکته‌ای که در آموزه‌های دیگر عرفان‌های کاذب نیز به چشم می‌خورد.

د. پلورالیسم فرهنگی و دینی

پلورالیسم را می‌توان از زمینه‌های معرفتی گسترش معنویت‌های نوظهور دانست.

هرچند با بیانی که در ادامه خواهیم داشت و با در نظر گرفتن بُعد اجتماعی و عاملانی که منجر به نهادینه شدن این تفکر در بین بعضی از اقشار جامعه خصوصاً دانشجویان شدند، می توان پلورالیسم را، به عنوان یک زمینه فرهنگی - اجتماعی نیز محسوب کرد.

بعد معرفتی

به لحاظ معرفتی پذیرش پلورالیسم دینی و فرهنگی از زمینه های ورود و گسترش عرفان های نوظهور در کشور است. پلورالیسم در ابعاد مختلفی مطرح گردیده است از جمله پلورالیسم سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، معرفتی و دینی. اما آنچه در اینجا مدنظر ما است پلورالیسم دینی و فرهنگی است که البته آن هم با تفاسیر و بیان های متعددی تبیین گردیده است که به طور خلاصه می توان گفت پلورالیسم دینی بدین معناست که حقیقت و رستگاری منحصر در دین ویژه ای نبوده، همه ادیان بهره ای از حقیقت مطلق دارند؛ در نتیجه پیروی از برنامه های هر یک از آنها می تواند مایه نجات و رستگاری انسان باشد (ربانی گلپایگانی، ۱۳۷۸: ۲۰). طرفداران پلورالیسم، برای اثبات آن، خصوصاً پلورالیسم دینی به شواهد مختلف درون دینی و برون دینی استناد کرده اند و پاسخ های متعددی نیز به آنها داده شده است (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۷۹: ۵۳-۱۲۴). در جوامعی که دین در آن نقش طفیلی دارد و سیطره و اقتدار نه از آن دین، که با حکومت است، پلورالیست ها بیشتر و با خیالی راحت تر به عرضه و تبلیغ مرام خود می پردازند. دینی که سکولار شده و به دیانت شخصی منحصر گردیده و تجربه قلبی را مدار دینداری قرار داده است، در حقیقت، آگاهانه یا ناآگاهانه، تسلیم مبنای نظری و دینی پلورالیسم شده و گوهر دین را نه اعتقاد، بلکه شریعت قلبی می داند (کامران، ۱۳۸۲: ۲۷۷).

اما در عرف جامعه شناسی، پلورالیسم عبارت است از: «جامعه ای که از گروه های نژادی مختلف یا گروه هایی که دارای زندگی سیاسی و دینی مختلف هستند، تشکیل شده است.» (ربانی گلپایگانی: ۲۰).

اساساً از ویژگی هایی که در این جنبش ها وجود دارد و باعث استحاله فرهنگی و سست شدن باورها در بین مردم به ویژه جوانان می شود، توجه به مقوله ی پلورالیسم

فرهنگی و دینی است. در تکرگرایی دینی، یکی از گرایش‌های جدید و پیشرفته، پلورالیسم فرهنگی است. یعنی وجود فضایی که فرصت به همه ادیان و فرقه‌ها و گرایش‌های دینی داده می‌شود تا به عرضه محصولات فکری و فرهنگی خود بپردازند؛ اینکه دین به صورت یک فرهنگ درآمدی باشد و تنوع فرهنگی در دل یک جامعه شکل بگیرد و رشد کند مورد توجه این جنبش‌ها قرار گرفته است. این جنبش‌ها بر مبنای این تنوع فرهنگی و دینی به خوبی می‌توانند در مخاطبین خودشان نفوذ کنند و از مبنای اعتقادی بسیاری از این جنبش‌ها این است که به تعداد آدم‌ها می‌تواند فرهنگ و بستر دینی و تمایل دینی وجود داشته باشد. با صرف نظر از ادیان متفاوت، انسان‌ها این حق را دارند که از ادیان مختلفی تغذیه کنند و به ارائه محصولات و پایبندی به مقررات و آداب دینی گوناگونی دست بزنند. لزومی ندارد که انسان‌های یک جامعه از یک دین مشخص یا از یک دین رسمی و رایج شده‌ای تبعیت کنند؛ بلکه می‌توانند آن دین را به گرایش‌های مختلف، تمایلات و شعب مختلف تقسیم کنند و هر یک سراغ شعبه‌ای از آن دین بروند. حتی می‌توانند به دین رسمی خودشان بی‌توجهی نشان بدهند و به ادیان دیگری که در قالب اقلیت در دل جامعه‌ای مثل جامعه ما زندگی می‌کنند روی بیاورند و حتی فراتر از آن به ادیان شخصی روی بیاورند و از طریق ملغمه‌سازی از ادیان مختلف و گرایش‌های دینی متفاوت یا از طریق التقاط آنها یک دین شخصی به وجود بیاورند و به آن پایبند شوند. این یکی از عواملی است که می‌تواند به جنبش‌ها قدرت نفوذ بدهد و این جنبش‌ها بر مبنای آن توانسته‌اند نفوذ بیشتری در مخاطب پیدا کنند و از طریق شکستن حصر دینی بتوانند انسان‌ها را متوجه یک پلورالیسم و حتی لغزش و نوسان در ادیان کنند. شما امروز می‌توانید مسلمان باشید، فردا مسیحی و پس فردا به سمت دین دیگری بروید و دوباره به دین اول بلغزید و این برای این است که در معنویت‌های نوظهور اساساً حقیقت مهم نیست، بلکه کارآیی مهم است و در این صورت اهمیت ندارد که کدام دین و آیین معنوی کامل‌تر و درست‌تر است، بلکه هر کدام که تو را آرام می‌کند می‌تواند دین تو باشد (مظاهری سیف، ۱۳۸۸: ۶۰).

از طرف دیگر اعتقاد و تأکید این جنبش‌ها بر پلورالیسم دینی در آموزه‌های خود نیز زمینه جذب افراد را به سوی این نوع معنویت‌ها فراهم می‌کند؛ تا جاییکه در آموزه‌های خود می‌گویند لازم نیست شما دین خود را عوض کنید، بلکه می‌توانید یهودی، مسیحی یا مسلمان باشید و در عین حال به تعالیم ما نیز باور داشته باشید.

کوئلیو در یکی از آثارش با تأکید بر تجربه دینی و شخصی می‌گوید: « بسیاری می‌گویند: من از مذهب شخصی خودم پیروی می‌کنم. چه مهملاتی! طریق، فردی است، اما این طریق، بدون یک پرستش جمعی وجود نخواهد داشت خواه در آیین کاتولیک، پروتستان، یهود یا اسلام.» (کوئلیو، ۱۳۸۷: ۹۶)

کوئلیو در پاسخ به سؤال از مذهب او، این‌گونه پاسخ می‌دهد: « کاتولیک هستم، اما فکر می‌کنم که اگر انسان هر دینی را صمیمانه و مخلصانه انتخاب کند، به خدا می‌رسد.» (آریاس، ۱۳۸۱، ص ۸۹) او معتقد است: « داشتن یک زندگی روحانی، مستلزم ورود به صومعه و روزه‌داری، ریاضت و پاک‌دامنی نیست. فقط کافی است به خدا ایمان داشته باشیم. از آن به بعد هرکس به راه خدا تبدیل می‌شود.» (کوئلیو، ۱۳۸۴: ۱۵۱)

بعد اجتماعی

اما یکی از کانال‌های ورود تفکر پلورالیستی به ایران و نهادینه کردن آن در میان قشرهای مختلف جامعه، خصوصاً دانشجویان و فرهیختگان، جریان روشنفکری دینی است. اوج فعالیت این جریان در تئوریزه کردن مفاهیم سکولاریسم که پلورالیسم نیز از مؤلفه‌های آن محسوب می‌شود در دو دهه اخیر بوده است. روشنفکران دینی در دهه ۷۰ و ۸۰ از طریق گسترش کتب، مقالات، نشریات، فیلم، سخنرانی و برگزاری جلسات متعدد گفت‌وگو و مناظره در دانشگاه‌ها تلاش کردند جامعه «تک‌صدایی» را به یک جامعه «چندصدایی» متکثر تبدیل کنند. فعالیت روشنفکران دینی با روی کار آمدن دولت اصلاحات و به دست گرفتن قدرت توسط آنها شدت بیشتری به خود گرفت، به گونه‌ای که رابطه مصرف‌کنندگان (مخاطبان) با تولیدکنندگان مستحکم‌تر شد و اکنون توزیع کالاهای فکری روشنفکران دینی در سطح انبوهی در دسترس

همگان قرار دارد (کاظمی، ۱۳۸۳، صص ۱۱۱-۱۱۲). می‌توان یکی از محصولات فکری این دوران را نهادینه ساختن تعدد قرائت‌های مختلف از دین و پلورالیسم دینی در میان بسیاری از جوانان دانشجویان دانست. آمارهای موجود در خصوص گسترش آثار کوئلیو در میان دانشجویان نشان از شکل‌گیری و نهادینه شدن این مبنای معرفتی در میان این قشر است.

با توجه به توضیحاتی که بیان شد می‌توان نتیجه گرفت به لحاظ معرفتی، اعتقاد و باور به پلورالیسم دینی و فرهنگی در میان بعضی از اقشار که عمدتاً دانشجویان هستند زمینه و بستر معرفتی لازم برای پذیرش و گسترش معنویت‌های نوظهور را فراهم می‌کند؛ به عبارت دیگر این تلقی که می‌توان در عین اعتقاد به آموزه‌ها و معارف اسلامی، با قبول معنویت‌ها و عرفان‌های جدید، به آموزه‌های آنها هم معتقد بود و یا به دین شخصی گرایش پیدا کرد و ... که در بعد اجتماعی فعالیت روشنفکران به اصطلاح دینی در دهه‌های گذشته زمینه‌ساز پذیرش این معرفت گردید. آموزه‌هایی که در این راستا در آثار کوئلیو تبلیغ می‌شود نیز به پذیرش این معرفت کمک می‌کند.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

نتیجه‌گیری

۱. همه مواردی که به عنوان زمینه بیان گردید کلیت ندارد و به عنوان زمینه جذب در همه مخاطبان آثار کوئلیو یا دیگر عرفان‌های کاذب صدق نمی‌کند بلکه ممکن است برخی زمینه‌ها تنها مختص به برخی از مخاطبان باشد و برخی دیگر از زمینه‌ها مختص به دسته دیگری از مخاطبین آثار کوئلیو باشد. برای مثال نمی‌توان پلورالیسم را به عنوان یک زمینه در مورد کسی که از روی کنجکاوی یکی از کتابهای کوئلیو را می‌خواند محسوب کرد. اما در مجموع می‌توان موارد بیان شده را به عنوان برخی از زمینه‌های ورود و گسترش عرفان‌های نوظهور در ایران دانست.

۲. وجود میل فطری به معنویت در انسان و عدم ارضاء کامل آن سبب می‌شود افراد برای پاسخ به این نیاز خود در صورت دریافت‌نکردن پاسخ حقیقی، به معنویت‌های نوظهور گرایش پیدا کنند. درصدهای ذکر شده در پیمایشی که در متن مقاله به آن اشاره گردید نشان از وجود این میل فطری و همچنین عدم ارضاء آن دارد. ۳. نداشتن آگاهی و اطلاع از انحراف‌های اعتقادی که در لابه‌لای آثار این‌گونه

عرفان‌ها وجود دارد و همچنین ضعف افراد نسبت به مبانی دین اسلام، زمینه دیگری است که باعث جذب افراد به عرفان‌های کاذب می‌شود. فقدان آگاهی از نکات انحرافی سبب می‌شود خوانندگان این‌گونه آثار به سبب علاقه به خواندن رمان یا به جهت پر کردن اوقات فراغت و... جذب آنها شوند و از تأثیراتی که در ضمیر ناخودآگاه آنها می‌گذارد غافل باشند. ضعف بنیه فکری و اعتقادات سطحی و ضعیف برخی از مخاطبان این معنویت‌ها سبب می‌شود تا این‌گونه افراد در مواجهه با آموزه‌های باطلی که در معنویت‌های نوپدید وجود دارد منفعل شده و آن آموزه‌ها را قبول کنند.

۴. تبلیغ عدم نیاز به شریعت که به اباحی‌گری و بعضاً پوچی منجر می‌شود در میان آثار عرفان‌های نوظهور به وفور دیده می‌شود. پایبند نبودن به احکام و دستورات شریعت در قالب‌های مختلف و با بیان‌های گوناگون و جذاب در آثار عرفان‌های نوظهور با روحیه راحت‌طلبی و گرایش به آزادی مطلق و رهایی از زیر بار تکلیف که

با ویژگیهای دوران جوانی متناسب است از زمینه‌های دیگری است که گرایش افراد خصوصاً جوانان را سمت این گونه معنویت‌ها هموار می‌کند.

۵. در خصوص سؤال اصلی که این مقاله به دنبال پاسخگویی به آن بود، باید گفت زمینه‌های گوناگونی موجب ورود و گسترش عرفان‌های نوظهور به کشور شده است. هرچند جامعه ایران و نظام حاکم بر آن در یک نگاه کلی اسلامی و دینی است؛ اما تکثر فکری - فرهنگی موجود در کشور که ناشی از عوامل مختلفی است موجب گردیده به لحاظ معرفتی، طیف‌های مختلف فکری در میان مردم شکل گیرد و بخش‌هایی از جامعه به پلورالیسم دینی معتقد شوند، اگرچه به طور صریح به آن اذعان نداشته باشند؛ اما نحوه عملکرد و رفتار آنها گویای اعتقاد ضمنی آنها به پلورالیسم است. پذیرش معنویت‌های نوپدید از سوی بخشی از مردم و همچنین گسترش آنها ناشی از وجود اعتقاد به تکثرگرایی دینی در میان مخاطبان آنهاست. بدین معنا که برخی از مخاطبان بواسطه قبول تکثرگرایی، مطرح‌شدن معنویت‌های نوظهور و گرایش به آنها را در عین اعتقاد به آموزه‌های اسلام امر باطلی نمی‌دانند و برای آنها هم بهره‌ای از حقیقت‌قائلند و آموزه‌های آنها را هم راهی برای نیل به اهداف معنوی می‌شمارند. نهادینه‌شدن این تفکر خصوصاً در میان بخشی از دانشجویان زمینه تمایل به عرفان‌های کاذب را فراهم می‌کند. آماری که در متن مقاله در خصوص گرایش دانشجویان به کونلیو و آثار او ارائه شد، شاهدهی ضمنی بر این مدعا است. فعالیت روشنفکران به اصطلاح دینی در دو دهه اخیر و همچنین نگاه مثبت و باز فرهنگی که در برخی مقاطع در سطوح دولتی نسبت به ورود عرفان‌های نوظهور مشاهده گردید به لحاظ اجتماعی بستر نهادینه‌شدن این معرفت را مهیا کرده است.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. آریاس، خوان (۱۳۸۱) *زندگی من پائولو کوئلیو*، ترجمه خجسته کیهان، چاپ اول، تهران: مروارید.
۳. ابن عربی، محی‌الدین (بی‌تا) *فتوحات مکیه*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴. الی سعیدی (۱۳۹۱/۳/۲) زیر «*سرنوشت آثار کوئلیو در ایران*» به آدرس <http://www.tebyan.net>
۵. امیرعلی، (۱۳۹۱/۵/۱۱) زیر «*سرنوشت آثار کوئلیو در ایران*» به آدرس <http://www.tebyan.net>
۶. حسینیان، حامد (۱۳۹۰) *بررسی و نقد اصول نظری اندیشه معنوی پائولو کوئلیو*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته دین‌شناسی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۷. ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۷۸) *تحلیل و نقد پلورالیسم دینی*، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
۸. *سخنرانی مقام معظم رهبری در جمع مردم قم* (۱۳۸۹/۷/۲۷) www.leader.ir
۹. سروش، عبدالکریم (۱۳۷۷) *صراط‌های مستقیم*، تهران: موسسه فرهنگی صراط.
۱۰. «*شادترین نویسندگان ادبیات اسپانیولی معرفی شدند*» (۱۳۹۱/۴/۱۳) www.khabaronline.ir
۱۱. طباطبائی، محمدحسین (بی‌تا) *ترجمه تفسیر المیزان*، سیدمحمد باقر موسوی همدانی، ج ۸، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۲. فیروزی، علیرضا (۱۳۸۸) *پیامک‌های پائولو کوئلیو*، چاپ سوم، مشهد: امید مهر.
۱۳. کاظمی، عباس (۱۳۸۳) *جامعه‌شناسی روشنفکری دینی در ایران*، تهران: طرح نو.
۱۴. کامران، حسن، (۱۳۸۲) *تکثر ادیان در بوتنه نقد (نگاهی جامع به بحث پلورالیسم دینی)*، تهران، دفتر نشر معارف.
۱۵. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۷۲) *اصول کافی*، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، ج ۴، بی‌جا: انتشارات اسوه.
۱۶. کنکاش، زهرا (۱۳۹۱) *راز آرامش ذهن بدن: کاربرد قانون جذب در کسب آرامش*، زیر نظر مطلب برازنده، شیراز: انتشارات نوید.
۱۷. کوئلیو، پائولو (۱۳۸۷ الف) *ورونیکا تصمیم می‌گیرد بمیرد*، ج ۲۱، ترجمه آرش حجازی، تهران: کاروان.

۱۸. _____ (۱۳۸۷ب) **عطیه برتر**، ترجمه آرش حجازی، چاپ پانزدهم، تهران: کاروان.
۱۹. _____ (۱۳۸۷ج) **چون رود جاری باش**، ترجمه آرش حجازی، چاپ ششم، تهران: کاروان.
۲۰. _____ (۱۳۸۷د) **دومین مکتوب**، ترجمه آرش حجازی و بهرام جعفری، چ دوازدهم، تهران: کاروان.
۲۱. _____ (۱۳۸۷ه) **مکتوب**، ترجمه آرش حجازی، چاپ سیزدهم، تهران: کاروان.
۲۲. _____ (۱۳۸۷و) **قصه‌هایی برای پدران، فرزندان، نوه‌ها**، ترجمه آرش حجازی، چ نهم، تهران: کاروان.
۲۳. _____ (۱۳۸۶) **ساحره پورتوبلو**، ترجمه آرش حجازی، چ سوم، تهران: کاروان.
۲۴. _____ (۱۳۸۴الف) **زهیر**، ترجمه آرش حجازی، چ سوم، تهران: کاروان.
۲۵. _____ (۱۳۸۴ب) **کنار رود پیدرا نشستم و گریستم**، ترجمه آرش حجازی، چاپ هشتم، تهران: کاروان.
۲۶. _____ (۱۳۸۳الف) **بریدا**، ترجمه آرش حجازی و بهرام جعفری، چاپ یازدهم، تهران: کاروان.
۲۷. _____ (۱۳۸۳ب) **یازده دقیقه**، ترجمه آرش حجازی، کاروان، تهران: کاروان.
۲۸. _____ (۱۳۸۳ج) **کوه پنجم**، ترجمه آرش حجازی، چاپ سوم، تهران: کاروان.
۲۹. _____ (۱۳۸۸) **کیمیایگر**، ترجمه آرش حجازی، چاپ شانزدهم، تهران: کاروان.
۳۰. _____ (۱۳۸۹) **زائر کوم پوستل**، ترجمه حسین نعیمی، چ پنجم، تهران: نشر ثالث.
۳۱. **گزارش نظر سنجی تلفنی پیرامون میزان گسترش توجه مردم به سحر و جادو**، (بهمن ۱۳۸۹) (مجری طرح: مرکز افکار سنجی و رصد فرهنگی)، چ اول، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۳۲. **گفت‌وگوی آرش حجازی با روزنامه ایران درباره‌ی آثار پائولو کوئلیو**، روزنامه ایران، تاریخ ۷۹/۶/۱۶ و ۷۹/۷/۳ به نقل از <http://arashhejazi.com>
۳۳. گل‌پرور، هومن (۱۳۸۹) **کاربرد قانون جذب**: کارگاه آموزشی راز، مجموعه آموزش‌های آبراهام هیکس، تهران: پیکان.
۳۴. لویز، مایکل جی (۱۳۸۶) **چگونه جذب کنیم!**، ترجمه میترا کیوان مهر، تهران: نشر علم.
۳۵. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۷۹) **کاوش‌ها و چالش‌ها**، ج ۱، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۳۶. مظاهری سیف، حمیدرضا (۱۳۸۸) **جریان شناسی انتقادی عرفان‌های نوظهور**، قم:

پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۳۷. _____ (۱۳۸۶) **فطرت محجوب**، معنویت ممسوخ، حدیث عشق و فطرت (مجموعه

مقالات)، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۳۸. _____ (۱۳۹۰/۱۰/۱۱) **به نقل از خبرگزاری کتاب ایران** به آدرس

<http://ibna.ir/vdciwwazrt1arq2.cbct.htm>

۳۹. میرخلیلی، سید علی اصغر (۱۳۹۰) **بررسی زمینه‌های اجتماعی ظهور و ترویج**

جریان‌های عرفان‌نما در دو دهه اخیر، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه

شناسی، قم: دانشگاه باقرالعلوم.

۴۰. ویلسون، برایان و کرسول، جیمی (۱۳۸۶) **جنبش‌های نوین دینی (محدودیت‌ها و**

امکانات)، ترجمه محمد قلی‌پور، مشهد: مرنديز.

